



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نقش و جایگاه توفیقات در عصر غیبت صغری

محمد رضا جباری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش و جایگاه توقعات

نویسنده:

محمد رضا جباری

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	تعریف لغوی و اصطلاحی واژه توقیع
۸	چگونگی خط و کتابت نامه‌ها و توقیعات
۹	چگونگی صدور و تحویل توقیعات
۹	مدت زمان صدور توقیعات
۱۰	خرق عادت در صدور توقیعات
۱۰	نقش دستیاران امام عصر در صدور توقیعات
۱۱	چگونگی دریافت توقیعات از امام عصر
۱۱	پاسخ‌های شفاهی
۱۲	چگونگی تحویل توقیعات به وکلا و شیعیان
۱۲	استمرار صدور توقیعات و انقطاع آن
۱۳	مضامین نامه‌ها و توقیعات امامان شیعه
۱۴	پاورقی
۲۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۲۸۶۱۰

سرشناسه: جباری، محمدرضا

عنوان و نام پدیدآور: نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری / جباری، محمدرضا
منشا مقاله: انتظار، ش ۳، (بهار ۱۳۸۱): ص ۱۴۰ - ۱۶۵.

توصیفگر: نامه‌ها

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم

توصیفگر: انتظار منجی

توصیفگر: ظهور منجی

توصیفگر: تشیع

توصیفگر: عصر غیبت

توصیفگر: دست‌نوشته‌ها

مقدمه

از مهم‌ترین وظایف و مسؤولیت‌های «نائبان چهارگانه» در عصر «غیبت صغری»، دریافت و تحویل نامه‌های شیعیان، به امام عصر (ع) و متقابلاً پاسخ آنها به شیعیان بود. البته در عصرهای پیش از «غیبت صغری» نیز یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ارتباط شیعیان با امامان معصوم (ع)، نامه‌ها و مکتوبات بود. به عنوان نمونه، «عبدالرحمان بن حجاج»، وکیل امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) در عراق، به علت رفت و آمدی که بین عراق و مدینه داشت، گاهی به عنوان رابط، بین برخی از وکیلان - همچون «علی بن یقظین» - با امام کاظم (ع) ایفای نقش می‌کرد. در یک مورد، علی بن یقظین ضمن دادن نامه‌ای، از وی خواست که آن را به امام کاظم (ع) در مدینه برساند. [۱] در موردی دیگر، علی بن یقظین از دوتن به نام‌های «اسماعیل بن سلام» و «ابن حمید»، برای رساندن نامه‌های شیعیان عراق به امام کاظم (ع) بهره برد. [۲] البته شیوه «ارتباط مکاتبه‌ای»، در موارد بسیاری به عنوان ابزاری مطمئن، برای ارتباط ائمه (ع) با نمایندگان‌شان و بالعکس، پیش از عصر غیبت صغری مورد بهره‌برداری بود. نمونه یادشده درباره «علی بن یقظین»، نامه «عبداللہ بن جندب»، به امام رضا (ع) و پاسخ آن حضرت [۳] و... از این مقوله است. [۴] این روش ارتباطی، در مواقعی که ائمه هدی (ع) در حبس یا تحت نظر بودند، بیشتر کارآیی داشت. امام کاظم (ع) از زندان، با یکی از وکیلانش به نام «خالد بن نجیح» به طریق مکاتبه، تماس گرفته، او را از نزدیکی تاریخ وفاتش مطلع ساخت؛ هم چنین فرمود که امور خود را جمع بندی کرده و دیگر از کسی چیزی قبول نکند. [۵] در موردی دیگر، شخصی به نام «علی بن سدید» به امام کاظم (ع) - که در حبس بود - نامه‌ای نگاشته، مسائلی را پرسید و حضرت نیز پاسخ آن را به طور مخفی، از حبس به وی ارسال فرمود. [۶] البته حاصل بررسی تعداد مکاتبه‌های امامان (ع)، این است که مکاتبات امام هادی و امام عسکری علیهما السلام - که در پادگان نظامی، تحت نظارت و کنترل بودند - از تعداد بیشتری برخوردار است. در تأیید این مطلب می‌توان به آمار نامه‌ها و توقیعات ائمه (ع)، در کتاب «معادن الحکمه فی مکاتیب الائمه (ع)» اثر فرزند مرحوم فیض کاشانی (محمد بن محسن، معروف به علم الهدی) به ترتیب زیر توجه نمود: نامه‌های امام علی (ع)، متعدد است؛ و جلد اول این کتاب بدان اختصاص دارد. این ناشی از وضعیت و شرایط خاص حضرت بود. اما نامه‌های دیگر

ائمه (ع)، به ترتیب ۷، ۸، ۳، ۲، ۱۸، ۹، ۱۵، ۵، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ است. بدین ترتیب تعداد نامه‌های عسکریین علیهما السلام در این کتاب، ۱۹ و ۲۱ عدد است. البته موارد متعدد دیگری نیز - غیر از آنچه در این کتاب آمده - در منابع مختلف به چشم می‌خورد. گفتنی است تعداد نامه‌های امام رضا (ع) (۱۵ عدد) نیز ناشی از وضعیت خاص آن حضرت است که به تبع انتقال به مرو و مسأله ولایتعهدی پیش آمد. تعداد نامه‌های امام کاظم (ع) (۹ عدد) نیز به علت محبوس بودن آن حضرت و شرایط سخت زندان است. البته با این وجود، همان گونه که اشاره شد، آن حضرت مکاتباتی از زندان، با برخی از اصحاب و وکیلانش داشته است. علاوه بر کتاب یاد شده، منابع دیگری نیز به نقل و معرفی توقیعات پرداخته‌اند؛ همچون: کمال الدین و تمام النعمه از شیخ صدوق؛ کتاب الغیبه از شیخ طوسی؛ الاحتجاج از طبرسی؛ کلمه الامام المهدي (ع) از شهید سید حسن شیرازی؛ الزام الناصب از علی یزدی حائری؛ توقیعات مقدسه از جعفر وجدانی؛ مجموعه سخنان و توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله، از خادمی شیرازی؛ توقیعات خارج شده از سوی ناحیه مقدسه از مولی محمدباقر مجلسی و «توقیع الامام العسکری (ع) که همراه با وصایای پیامبر (ص) به امام علی (ع)، به وسیله سید حسن نیاز طباطبایی منتشر شده است. گذشته از آن که، منابع و جوامع روایی همچون بحار الانوار، وسائل الشیعه، وافی و مستدرک الوسائل نیز مشتمل بر توقیعات و مکاتیب امامان معصوم (ع) می‌باشند. بیشترین تعداد مکاتبه‌ها و توقیعات، مربوط به عصر، غیبت صغری است. دلیل کثرت توقیعات و مکاتبه‌ها در این عصر، آن است که به علت غیبت امام (ع)، روش ذکر شده، بهترین روش ارتباط شیعیان با امام (ع) به واسطه وکیلان و سفیران آن جناب بود. عنوان رایجی که درباره مکاتبه‌های امام دوازدهم (ع) و همین طور، مواردی از مکاتبه‌های امامان اخیر شیعه، در منابع روایی به کار رفته است؛ عنوان «توقیع» و «توقیعات» است. با توجه به اهمیت مسأله توقیعات در عصر غیبت صغری، و نقش مهم و اساسی نایبان چهارگانه و دیگر نمایندگان حضرت حجت (ع) در انتقال توقیعات از ساحت قدس امام (ع) به دست شیعیان، در این نوشتار به بررسی ابعاد مختلف این مقوله، خواهیم پرداخت.

تعریف لغوی و اصطلاحی واژه توقیع

«توقیع» از ریشه «وقع» و به معنای اثر نهادن بر چیزی است؛ چنان که تعبیر «وَقَعَ الْوَبْرُ ظَهَرَ الْبَعِيرِ؛ یعنی، اثر نهادن پشم شتر بر پشت او. [۷] از این رو، به کتابت و نامه‌نگاری نیز توقیع اطلاق شده است؛ زیرا که در نتیجه این عمل، قلم بر روی کاغذ اثر گذار می‌شود. گاه این واژه (توقیع)، علاوه بر اصل کتابت نامه، به عمل کاتب در حذف زواید نامه نیز اطلاق می‌شود؛ چرا که با این کار، هدف اصلی از کتابت، به شخص مکتوب الیه، انتقال داده شده و او تحت تأثیر واقع می‌شود. [۸] آنچه که بیشتر از موارد دیگر، از واژه توقیع، به اذهان متبادر می‌شود و مورد استعمال بوده؛ الحاقاتی است که در پاسخ به یک نامه، از سوی شخصیت برتری - همچون امام یا حاکم و سلطان - ضمیمه یک نامه می‌شود. این الحاقات ممکن است به چند صورت باشد: ۱. امضا و مهر وی در آن باشد؛ ۲. شخص کاتب به یک صاحب منصب، برای رسیدگی به کارش ارجاع داده باشد؛ ۳. عباراتی نظیر «يُنظَرُ فِي أَمْرِ هَذَا»، در آن باشد که امروزه با جملاتی نظیر «بررسی شود»، «پیگیری شود»، «اقدام شود» و... بیان می‌گردد؛ ۴. یا پاسخ مجمل و کوتاه یا تفصیلی به سؤال یا درخواست موجود در نامه داده شود. معمولاً موارد یاد شده، در ذیل، حاشیه، لابه‌لای سطور و یا پشت نامه‌ها نوشته می‌شد. مراجعه به منابع ادبی، مؤید موارد یاد شده است. در موارد زیر، توقیع به معنای «امضای سلطان بر یک نامه» به کار رفته است. بنا به نقل لغت نامه دهخدا در تاریخ بیهقی چنین آمده است: «و «مواضع» نویسم تا فردا بر رأی عالی عرضه کنند و آن را جواب‌ها باشد به خط خداوند سلطان و به توقیع مؤکد گردد... و بونصر مشکان منشورش بنویسد و به توقیع آراسته گردد». چنان که در دو بیت زیر نیز همین معنا، از لفظ توقیع، اراده شده است: توقیع باد نامت بر نامه ظفر تاریخ یادگارت بر روزگار تیغ (مسعود سعد) هر که از درگاه عزت یافت توقیع قبول پیش در گاهش کمر بندد به خدمت روزگار (سنایی) و در موارد متعددی، واژه توقیع به معنی آنچه سلطان و رئیس، بر سر نامه یا پشت آن، در جواب نویسنده نویسد، یا دهند؛ و یا جواب حکمت‌آمیز حاکم یا پادشاه به پرسش یا جواب

دادخواهی کسی، به کار رفته است؛ که از این جمله است «توقیعات انوشیروان»، که کتابی است شامل ۱۷۳ بند، از مرقوع و توقیع یا پرسش و پاسخ که دستوران و مؤبدان در امور مهم کشوری و اجرای عدل بین مردم، از وی به امر خود او سؤال کرده‌اند و جواب داده است. فردوسی نیز اشاراتی به آن دارد: چه بیمار زار است و ما چون پزشکی زدارو گریزان و ریزان سرشک به توقیع پاسخ چنین داد باز که هستیم از لشکری بی نیازه توقیع گفت آنچه هستند خرد زدست اسیران نباید شمردچه آن نامه نزدیک قیصر رسید نگه کرد و توقیع پرویز دید [۹]. و نقل شده که کاتبی ضمن نامه‌ای به «صاحب بن عباد»، نوشت: «ان انساناً هلك و ترك یتیماً و اموالاً جلیله لاتصلح لیتیم»؛ و مقصود کاتب آن بود که «صاحب بن عباد» را بر تصرف این اموال تحریک کند؛ ولی صاحب، در پاسخ چنین «توقیع» نمود: «الهاکُ رَحْمَةُ اللَّهِ وَالیتیم اصلحه الله والمال ائمره الله والساعی لعنه الله!» [۱۰]. چنان که در مقدمه گذشت، استعمال واژه توقیع، غالباً مربوط به مکاتبات «ناحیه مقدسه» در عصر غیبت صغری است؛ ولی پیش از آن نیز - به خصوص در عصر امام عسکری (ع) - این واژه درباره نامه‌های امامان (ع) استعمال شده است. [۱۱] شیعیان معمولاً سؤالات فقهی، کلامی، دینی و یا مسائل و مشکلات شخصی را، در نامه‌هایی نگاشته و به وکیلان و سفیران ائمه (ع) تحویل می‌دادند. آنان نیز گاه خود این نامه‌ها را به امام (ع) تحویل می‌دادند. و گاهی مجموع چند نامه و چندین سؤال و درخواست را یک جا نگاشته، به محضر امام (ع) می‌رساندند. امام (ع) نیز پاسخ را در ذیل، حاشیه، پشت و یا لابه‌لای خطوط سؤال کتابت می‌فرمود. از این رو، اصطلاح «توقیع» درباره این گونه مکاتبات ائمه (ع) رایج شده است. البته اطلاق این واژه، منحصر به مواردی نیست که امام (ع) در پاسخ به سؤال یا درخواستی، چیزی بنگارد؛ بلکه چه بسا توقیعاتی - به خصوص از سوی ناحیه مقدسه - صادر شده و مسبوق به سؤال یا درخواستی نیز نبود؛ مثلاً امام دوازدهم (ع) به عنوان تعزیت رحلت سفیر اول، توقیعی خطاب به فرزند وی (سفیر دوم) صادر فرمود که مسبوق به سؤالی نیز نبود. همین طور، آخرین توقیعی که خطاب به سفیر چهارم صادر شد و ضمن آن، پایان دوره غیبت صغری اعلام گردید، از این قبیل توقیعات است. [۱۲].

چگونگی خط و کتابت نامه‌ها و توقیعات

پس از بحث درباره معنای واژه توقیع، این سؤال تداعی می‌شود که آیا توقیعات امام دوازدهم (ع) و همین طور برخی از امامان پیشین (ع)، به قلم و خط مبارک خود ایشان، کتابت می‌شده و یا آن که همچون روش معمول نزد حاکمان و سلاطین، اصل مطلب از آنان و کتابت از منشیان، سفیران و یا خادمان بوده است؟ بررسی روایات تاریخی، این معنا را به دست می‌دهد که به طور یقین، در موارد متعددی، خود ائمه (ع) به قلم و خط شریفشان، نامه‌ها و توقیعات را کتابت فرموده و گاه تصریح به این نکته نیز می‌کردند. به عنوان نمونه، امام هادی (ع) در ذیل نامه‌اش به «علی بن بلال» - پس از پایان سخن درباره نصب «ابوعلی بن راشد» به وکالت - چنین مرقوم فرمود: «وَكَتَبْتُ بِحَطِّي». [۱۳] چنان که در موارد دیگر، تعبیر «كَتَبْتُ» یا «فَوَقَعْتُ بِحَطِّي» به کار رفته، که صراحت در مباشرت امامان (ع) در کتابت نامه‌ها و توقیعات دارد. [۱۴]. مؤید دیگر آن که، امام عسکری (ع)، در پاسخ «احمد بن اسحاق اشعری» - که دست‌خطی از آن جناب طلب نمود تا بدان وسیله، معیاری برای تشخیص صحّت و اصالت نامه‌های منسوب به حضرت داشته باشد - دست‌خطی نگاشت و به وی عطا فرمود. سپس قلم مبارک را پاک کرده و به «احمد بن اسحاق» داد؛ بدون آن که وی یتیم باطنی‌اش مبنی بر طلب قلم را اظهار کرده باشد! [۱۵] این نقل، حکایت از آن دارد که نامه‌ها و توقیعات آن حضرت، معمولاً - به خط شریف خود ایشان بوده است؛ چنان که روایت «ابوالادیان» نیز نشانگر آن است که امام عسکری (ع) به هنگام رحلت، نامه‌های زیادی مرقوم فرموده و به وسیله وی، به مدائن ارسال نمود. [۱۶]. با توجه به آنچه در بعضی از منابع کهن، درباره امام دوازدهم (ع) می‌خوانیم - که خط نامه‌ها و توقیعات ایشان، عیناً شبیه خط پدر گرامی‌شان بوده است - [۱۷] می‌توان استنتاج کرد که توقیعات «ناحیه مقدسه» نیز غالباً به خط شریف امام (ع) بوده است. [۱۸] شباهت خط شریف امام دوازدهم (ع) به خط پدر

گرامی‌شان، موجب آن می‌شد که تشکیکات مربوط به صحت انتساب توقیعات به حضرت، کمتر به ذهن بیاید. [۱۹] گرچه گاهی، وجود زمینه‌هایی، موجب بروز چنین تشکیکاتی می‌شد؛ به عنوان نمونه، می‌توان به جریان صدور توقیع ناحیه مقدسه در لعن «احمد بن هلال» و کیل امام عسکری (ع) و صوفی معروف نزد شیعه، اشاره کرد. جایگاه وی موجب شده بود برخی از شیعیان، در این باره تشکیک روا دارند؛ لذا مکتوب مفصل دیگری، در تأیید مکتوب اول صادر شد که این تعبیر در آن وجود داشت: «فانه لا عذر لأحد من موالینا فی التشکیک فیما روی عننا ثقاتنا». [۲۰] پس شناخته بودن خط حضرت، شاید یکی از اسباب نفی معذوریت در تشکیک بوده است. از دیگر زمینه‌های تشکیک در صدور توقیعات ائمه (ع)، اقدام خائنانه برخی از وکیلان ائمه (ع) بود. این افراد پس از مدتی وکالت، راه خیانت پیشه کرده و گاه به دروغ، توقیعی را به امام (ع) نسبت می‌دادند! و یا خود را واسطه صدور توقیع امام (ع) معرفی می‌کردند! برای مورد اول، می‌توان به توقیع دروغین «فارس بن حاتم» اشاره کرد که مشتمل بر اعلام دریافت وجوه شرعی شیعیان منطقه «جبال» از سوی امام هادی (ع) بود. امام (ع) طی مکتوبی، به تکذیب این امر پرداخت. [۲۱] برای مورد دوم نیز می‌توان به اقدام «سلمغانی» در انتساب توقیع صادر شده از سوی ناحیه مقدسه در جواب مسائل قمی‌ها، به خودش اشاره کرد! این نیز طی مکتوبی، از سوی «ناحیه مقدسه» تکذیب شد. [۲۲]. طبق شواهدی که گذشت، گرچه کتابت نامه‌ها و توقیعات، غالباً به وسیله خود امامان (ع) صورت می‌گرفت؛ ولی شواهدی نیز نشانگر آن است که این امر، گاهی به وسیله پیشکاران، خادمان و سفیران ائمه (ع) انجام می‌گرفت. از شواهد دال بر این مدعا، روایت شیخ طوسی از «ابو غالب زراری» است. وی نامه‌ای مشتمل بر درخواست دعا از ناحیه مقدسه، برای رفع مشکل خانوادگی‌اش، به واسطه «سلمغانی» به «حسین بن روح» تحویل داد. او هنگامی که از تأخیر در پاسخ، به سلمغانی شکوه کرد؛ وی در جواب گفت: «غم مخور که این تأخیر به نفع تو است؛ چرا که اگر پاسخ زودتر داده شود، از ناحیه حسین بن روح است و اگر با تأخیر همراه باشد، از ناحیه صاحب (ع) است». [۲۳].

چگونگی صدور و تحویل توقیعات

چنان که در پیش اشاره شد، مکتوبات حاوی سؤالات و درخواست‌های شیعیان، از طریق وکیلان و سفیران امامان (ع)، به دست ائمه (ع) می‌رسید. در زمان حضور امام معصوم (ع)، پس از تحویل این مکتوبات، امام (ع) اقدام به پاسخ‌گویی کرده، از طریق وکیلان یا پیک‌هایی مخصوص، آن را به شیعیان می‌رساندند. در مواردی، امام (ع) به طریق خرق عادت، عمل کرده و به جهت رعایت جهات امنیتی، یا مصالح دیگر - با توجه به علم امامت - پاسخ سؤالات را قبل از آن که به امام برسد، مکتوب فرموده و به محض تقدیم سؤال، پاسخ را تحویل می‌دادند؛ نظیر آنچه که درباره امام کاظم (ع) نقل شده است: آن حضرت، پاسخ‌های از قبل آماده شده برای نامه‌های ارسالی از عراق توسط «علی بن یقظین» را، به محض دریافت نامه‌ها، به آورندگان آنها تحویل داد. [۲۴] امام عسکری (ع) نیز نامه‌های در بسته اهالی نیشابور را، بدون رؤیت آنها پاسخ دادند. [۲۵]. در عصر غیبت صغری، مهم‌ترین واسطه تحویل نامه‌های شیعیان به امام عصر (ع)، سفیران ناحیه مقدسه بودند. البته در مواردی نیز نامه‌های سؤال یا درخواست، به واسطه برخی از خادمان یا کسانی که به خانه حضرت رفت و آمد می‌کردند، به محضرش رسانده می‌شد. به عنوان نمونه، «محمد بن یوسف شاشی»، نامه‌ای را به وسیله زنی که به بیت امام (ع) رفت و آمد می‌کرد؛ به نزد آن حضرت فرستاد و پاسخ گرفت که بشارت به شفای بیماری‌اش بود. [۲۶].

مدت زمان صدور توقیعات

پس از آن که سفیران، نامه‌های شیعیان را به امام (ع) تحویل می‌دادند؛ به طور طبیعی، مدتی می‌بایست سپری شود تا سفیر این مکتوبات را بر امام (ع) عرضه کرده، پاسخ آنها را دریافت دارد. این مدت، در برخی نقل‌ها چند ساعت (مثلاً از صبح تا بعد از نماز

ظهر) [۲۷] و در بعضی نقل‌ها سه روز، [۲۸] و در برخی دیگر به طور مجمل، تعبیر «بعد ایام» [۲۹] به کار رفته که حداقل آن، سه روز است. این مدت، مدت معقول و طبیعی برای عرضه سؤال به وسیله سفیر و دریافت جواب بوده است. [۳۰].

خرق عادت در صدور توقیعات

البته در مواردی نیز، ابزار خرق عادت، به میان آمده و پاسخ‌ها در مدت بسیار کوتاهی عرضه می‌شد. به عنوان نمونه، در جریان صدور توقیع در لعن «شلمغانی»، تعبیر روایت چنین است: «خرج علی یدالشیخ ابی القاسم الحسین بن روح رضی الله عنه فی ذی الحجه سنه اثنی عشره و ثلاثمئه فی ابن ابی العزاقر والمداد رطب لم یجف»! [۳۱] که حاکی از سرعت صدور توقیع و اعلام آن به شیعیان، حتی قبل از خشک شدن جوهر، و نیز حاکی از ارتباط وثیق و تنگاتنگ سفیر با ناحیه مقدسه است. در مواردی نیز به محض خطور پرسش به ذهن سؤال کننده، پاسخ متناسب با آن بر صفحه توقیع نقش می‌بست! به عنوان نمونه، می‌توان به روایت صدوق از «ابوالحسین اسدی» اشاره کرد که در توقیع صادر شده برای وی آمده بود: «لعنة الله والملائكة والناس اجمعین علی من استحل من مالنا درهماً». در این هنگام، وی با خود گفت: این لعن مربوط به هر کسی است که حرامی را حلال بشمارد؛ پس در این زمینه چه امتیازی برای حضرت حجت (ع) بر دیگران است؟! و وقتی مجدداً به توقیع نظر کرد، عبارت توقیع را بدین صورت تغییر یافته دید: «لعنة الله والملائكة والناس اجمعین علی من اكل من مالنا درهماً حراماً». [۳۲]. در مواردی، برخی از وکیلان به امر امام (ع)، سؤالات را در کاغذی نوشته و زیر سجاده می‌نهادند. پس از ساعتی، به ورقه سؤال مراجعه کرده، پاسخ‌ها را بر روی آن ثبت شده می‌یافتند؛ نظیر آنچه درباره «محمد بن فرج» رخ داد. وی وکیل الوکلای امام هادی (ع) بود و امام به وی فرموده بود: که برای اخذ پاسخ سؤالاتش، به طریق یاد شده عمل کند. [۳۳]. رابطه توقیعات با اعجاز ناحیه مقدسه، گاه به نحو دیگری بروز می‌کرد. در یک مورد، «حسن بن علی وجناء»، برای اثبات صدق دعوی سفارت «حسین بن روح»، به «محمد بن فضل موصلی» - که منکر این امر بود - پیشنهاد می‌کند با قلم بی دوات، سؤالاتی را روی کاغذ نوشته و به «ابن روح» دهند تا پاسخ دهد. آنان این کار را انجام می‌دهند، و تا پس از نماز ظهر صبر می‌کنند. پس از این مدت جواب آماده می‌شود؛ با کمال شگفتی جواب‌ها را دقیقاً مطابق آن سؤالاتی که در ذهن داشتند، می‌یابند! [۳۴] در موردی دیگر، «ابوغالب زراری» برای عرضه مشککش به پیشگاه «ناحیه مقدسه»، به خانه «ابن روح» مراجعه می‌کند و به امر دستیارش، نامش را روی کاغذی می‌نویسد. پس از بازگشت، توقیعی بر وی عرضه می‌شود که در آن، ضمن اشاره به مشکل او، بشارت به رفع آن آمده بود! [۳۵].

نقش دستیاران امام عصر در صدور توقیعات

شواهدی نیز دال بر آن است که گاهی پاسخ توقیعات، به وسیله برخی از وکیلان مبرز ناحیه مقدسه داده می‌شد؛ بدون آن که آنها را به محضر امام (ع) عرضه کنند. البته این امر تحت اشراف سفیر و بالتبع خود امام (ع)، انجام می‌گرفت. به عنوان نمونه، نامه‌ای در باره یکی از شیعیان قم - که منکر فرزندش شده و نسبت به همسرش بدبین شده بود - به وسیله برخی از بزرگان این شهر به «ناحیه مقدسه» نوشته و ارسال شد. پس از آن که این نامه بر سفیر سوم عرضه شد، وی بدون نظر به آن، حامل نامه را به نزد «ابوعبدالله بزوفری» فرستاد. او نیز در پاسخ گفت: «فرزند، فرزند او است؛ و در تاریخ فلان و روز فلان و مکان فلان واقعه صورت گرفته و به او بگو که نامش را محمد بگذارد». آن شخص، پس از بازگشت به قم، جریان را بازگفت. [۳۶]. در صورتی که پاسخ به توقیعات، از سوی سفیر انجام می‌گرفت، معمولاً فاصله عرضه سؤال تا صدور جواب، کمتر از زمانی بود که جواب از سوی ناحیه مقدسه باشد. روایت مربوط به «ابوغالب زراری» صریح در این معنا است. [۳۷]. شواهدی، نشانگر آن است که گاهی سفیر یا دستیار او، مجموعه سؤالات و درخواست‌ها را یک جا نوشته، به ناحیه مقدسه عرضه می‌کرد و پاسخ‌ها نیز در همان برگه و گاه در لابه‌لای

سطرهای سؤالات، نوشته می‌شد. در روایت شیخ طوسی از «ابوغالب زراری» آمده است که در دوران مخفی شدن و استتار «حسین بن روح» - که وی «شلمغانی» را برای تماس با شیعه به جای خود نصب کرده بود - «ابوغالب» به همراه دوستش، به ملاقات «شلمغانی» رفته، از وی طلب کردند که با «ناحیه مقدسه» مکاتبه و برای آنان طلب دعا کند. «شلمغانی» نیز در برگه‌ای این درخواست را درج می‌کند. پس از چند روز که آن دو برای دریافت پاسخ، به نزد او می‌روند؛ وی آن برگه را خارج می‌کند؛ در حالی که مسائل بسیاری در آن ثبت و در لابه‌لای خطوط سؤال، پاسخ‌ها نوشته شده بود. از جمله آنها، پاسخ خواسته «زراری» و دوستش بود. این در حالی بود که «زراری»، از بیان دقیق خواسته‌اش اجتناب کرده بود؛ ولی در پاسخ ناحیه، اشاره به خواسته وی شده بود که اصلاح بین وی و همسرش بود. [۳۸] بنا به نقل نجاشی، توقیعات صادره برای «محمد بن عبدالله حمیری» نیز در لابه‌لای سطرهای سؤالات نگاشته شده بود. [۳۹].

چگونگی دریافت توقیعات از امام عصر

یکی از مباحث اساسی درباره کیفیت صدور توقیعات، نحوه تماس سفیر با «ناحیه مقدسه» و تحویل نامه‌ها و نحوه دریافت پاسخ آنها است. البته اسلوب و کیفیت عرضه سؤالات و نامه‌ها به وسیله سفیران بر امام عصر (ع)، مجمل است و روایات نیز افق روشنی در این زمینه، باز نمی‌کند. [۴۰] شواهدی حاکی از آن است که سفیران عصر غیبت صغری، ملاقات‌های حضوری با امام عصر (ع) داشته‌اند؛ مثلاً هنگامی که از سفیر اول، درباره ملاقاتش با حضرت حُجَّت (ع) سؤال می‌شود، وی در سخنانی همراه با گریه، می‌گوید: بله او را دیده‌ام؛ در حالی که وصف وی چنین است.... [۴۱] شبیه این سؤال از سفیر دوم می‌شود، و او نیز به همین شکل پاسخ می‌گوید. [۴۲] در موردی دیگر، پاسخ می‌دهد: «بله، آخرین عهد من با وی، در کنار بیت الله الحرام بود؛ در حالی که به خداوند عرضه می‌داشت: خداوندا! آنچه که به من وعده داده‌ای، منجز فرما». [۴۳] به طور قطع، سفیر سوم و چهارم نیز توفیق ملاقات با شخص حضرت حُجَّت (ع) را به کرات داشته‌اند. به عنوان مؤیدی بر این سخن، می‌توان به روایت شیخ طوسی اشاره کرد که نشانگر صدور توقیع مربوط به لعن «شلمغانی» به وسیله «ابن روح» است؛ در حالی که وی در زندان مقتدر عباسی به سر می‌برد! [۴۴] محتمل‌ترین وجه آن است که امام، شخصاً و به اعجاز، این توقیع را در زندان به وی رسانده باشد. بدین ترتیب، شیوه طبیعی آن است که خود سفیران به طور سری و مخفیانه، با امام (ع) ملاقات و نامه‌های حاوی سؤالات را بر حضرتش عرضه کرده باشند. برخی از محققان، [۴۵] برای این سخن، به دو مرجح تمسک کرده‌اند: ۱. غالباً پاسخ سؤالات، با قدری تأخیر عرضه می‌شد، که نشان از حرکتی طبیعی در عرضه سؤال بر امام (ع) و اخذ جواب دارد؛ و اگر در تمام موارد، صدور توقیعات همراه با اعجاز بود، تأخیر حاصل نمی‌شد. ۲. برخی شواهد، حاکی از آن است که سفیران، بعضی مسائل عقیدتی و دینی را از خود امام (ع) شنیده و به دیگران عرضه می‌کردند. به عنوان نمونه، می‌توان به سخن «حسین بن روح» به یکی از شیعیان اشاره کرد - که درباره سخنان «ابن روح» و این که از جانب خود او است یا از جانب حضرت حجت (ع)، تردید داشت - «ابن روح» در پاسخ فرمود: «اگر از آسمان سقوط کنم و پرنده‌گان مرا بدرند و یا باد مرا به مکان دوردستی پرتاب کند، نزد من محبوب‌تر از آن است که از جانب خود سخن گویم. این که گفتم، از اصل، و شنیده شده از حُجَّت (ع) است». [۴۶].

پاسخ‌های شفاهی

در بیشتر موارد، نامه‌های حاوی سؤالات و یا درخواست‌های شفاهی شیعیان، به طور معمول از طریق صدور توقیعات، پاسخ داده می‌شد؛ ولی در مواردی، طبق مصالح، پاسخ به صورت شفاهی، از سوی سفیر یا خادم حضرت به سؤال کننده عرضه می‌شد. [۴۷] در مواردی، به طریق معجزه‌آسا شخص سؤال کننده، صدایی می‌شنید؛ بدون آن که صاحب صدا را ببیند و پاسخ مشکل خود را

بدین گونه اخذ می‌کرد. [۴۸] در مواردی نیز، به جهت مصالحی، اصلاً پاسخی صادر نمی‌شد. [۴۹].

چگونگی تحویل توقیعات به وکلا و شیعیان

پرسشی که در این جا مطرح است آن که، پس از صدور توقیعات، چگونگی تحویل آنها به وکیلان و سپس شیعیان مقیم در ناحیه‌های دوردست، چگونه بوده است؟ گرچه در برخی از روایات، تصریح شده که پیک‌های مخصوصی، حامل پیام‌ها و توقیعات «ناحیه مقدسه» به نواحی دور دست بوده‌اند؛ ولی روایات دیگر در این باره سکوت کرده و به اجمال گذشته‌اند. به عنوان نمونه، توقیعات بسیاری به دست «ابوالحسین اسدی» - که از باب‌های معروف عصر غیبت صغری و وکیل‌الوکلائی منطقه ری و نواحی شرقی ایران بود - صادر شده است. [۵۰] با توجه به بعد مسافت بین ری، بغداد و سامراء، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پیک‌ها و وسایطی، حامل توقیعات برای وی بوده‌اند و یا آن که خرق عادت و اعجازی، در میان بوده است؟ البته تا زمانی که دلیلی برای اعجاز نبود، باید اصل را بر روال طبیعی امور نهاد؛ ولی در مورد «قاسم بن علاء» - که وکیل ناحیه آذربایجان بوده و توقیعات متعددی نیز به دست وی صادر شده - روایت شیخ طوسی نشانگر وجود پیک مخصوصی است که واسطه و رابط بین عراق و مناطقی از ایران (همچون آذربایجان) بوده است. [۵۱]. بنابراین، می‌توان این نقل را قرینه و شاهدی، دال بر وجود پیک‌ها و وسایط در ایصال و تحویل توقیعات به سایر نواحی دوردست دانست؛ چنان که روایت «ابوالادیان» - که حاکی از ارسال وی به مدائن از سوی امام عسکری (ع) برای تحویل نامه‌هایی به شیعیان این منطقه، در اواخر عمر شریف حضرت است - از دیگر مؤیدات این سخن می‌باشد. [۵۲] البته در مواردی که شیعیان یا وکیلان، مستقیماً سؤالات خود را در بغداد، بر سفیر عرضه می‌نمودند، توقیعات را مستقیماً از سفیر و یا با یک واسطه، از دستیار او دریافت می‌کردند. توقیعات، گاهی به طور خصوصی، صادر و خطاب به اشخاص معینی بود که سؤال یا درخواستی عرضه می‌کردند؛ [۵۳] و گاه شکل عمومی داشت، که در این موارد، سفیر و دستیاران وی موظف بودند آن را بر شیعیان نواحی مختلف عرضه کنند. در این موارد بود که توقیع به وسیله افراد مختلف استنساخ می‌شد. البته در مورد اول نیز گاه از سوی افراد علاقه‌مند، استنساخ صورت می‌گرفت؛ از نمونه‌های توقیعات عمومی، می‌توان به توقیعات صادر شده در لعن و طرد برخی از وکیلان خائن و مدعیان دروغین بایت (همچون «شلمغانی» و غیر او) اشاره کرد. [۵۴].

استمرار صدور توقیعات و انقطاع آن

توقیعات «ناحیه مقدسه» در تمامی دوره غیبت صغری - به استثنای برهه‌ای کوتاه - به دست سفیران، باب‌ها و وکیلان امام دوازدهم (ع) صادر می‌شده است. روایت شیخ طوسی، حاکی از استمرار صدور توقیعات در طول این دوره است. شیخ طوسی درباره سفیر اول و دوم گوید: «توقیعات صاحب الامر (ع) به دست عثمان بن سعید و پسرش محمد، برای شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری (ع) خارج می‌شد؛ [۵۵] و درباره سفیر دوم گوید: «وی به مدت حدود پنجاه سال، متولّی امر سفارت بود و مردم اموال خود را برای وی حمل می‌کردند. او نیز توقیعات را برای مردم خارج می‌ساخت؛ به همان خطّی که در دوره زندگانی امام عسکری (ع) خارج می‌شد». [۵۶] البته تعبیر پنجاه سال، با عنایت به دوره فعالیت وی در عصر امام عسکری (ع)، و در عصر نیابت پدرش می‌باشد. در روایت مربوط به «قاسم بن علاء» نیز آمده که: «توقیعات صاحب الزمان (ع) به طور مستمرّ به دست ابوجعفر محمد بن عثمان عمری و پس از وی به دست ابوالقاسم حسین بن روح - قدس الله روحهما - برای وی صادر می‌شد». [۵۷]. «این نقل‌ها حاکی از استمرار صدور توقیعات، در عصر سفیر دوم و سوم است؛ در عین حال، «ابوسهل نوبختی» در کتاب التنبیه فی الامامه، [۵۸] مدعی است که پس از شهادت امام عسکری (ع)، برای مدتی بیش از بیست سال، توقیعات حضرت مهدی (ع) برای شیعیان خارج می‌شد و سپس انقطاعی در صدور این توقیعات حاصل گردید. بر این اساس، برخی از محققان، دوره انقطاع در صدور توقیعات را بین ۲۸۰ تا ۲۹۰

ه. ق، و حتی تا پایان دوره سفارت سفیر دوم (۳۰۵ ه. ق) برآورد کرده‌اند؛ [۵۹] ولی با توجه به شواهدی که ارائه شد، این سخن قابل پذیرش نیست. کلام «ابوسهل نوبختی» نیز قابل حمل بر انقطاع موقت توقیعات، به علت بروز شرایط حادث و سخت برای شیعیان در عصر «معتضد عباسی» است که اقتضا می‌کرد شیعیان، کمتر با سفیر مرتبط شوند و سفیر نیز به جهت عرضه توقیعات، مجبور به ملاقات با شیعیان نباشد. روایت شیخ طوسی درباره شرایط عصر معتضد چنین است: «در زمان معتضد امر بر شیعیان، جداً دشوار و سخت بود و از شمشیرها خون می‌چکید! کمتر کسی نسبت به آنچه برای ابوجعفر عمری حمل می‌شد، اطلاع می‌یافت! و به حامل اموال، تنها گفته می‌شد: به فلان موضع برو و آنچه آورده‌ای تحویل بده؛ بدون آن که به وی رسیدی داده شود و یا بر چیزی اطلاع خاص کند». [۶۰]. پس از مدتی، صدور توقیعات ادامه یافت و در عصر سفیر سوم نیز توقیعات متعددی از جانب «ناحیه مقدسه» برای شیعیان خارج شد. در عصر سفیر چهارم - با توجه به کوتاهی دوران سفارتش - توقیعات زیادی گزارش نشده است؛ ولی معروف‌ترین توقیعات در این عصر، آخرین آنها است که اعلام‌گر پایان عصر «غیبت صغری» بود. [۶۱]. شایان ذکر است که در عصر «غیبت کبری» نیز توقیعاتی از سوی «ناحیه مقدسه»، خطاب به برخی از بزرگان شیعه، صادر شده که به عنوان نمونه، می‌توان به توقیعات صادر شده برای شیخ مفید اشاره کرد. [۶۲] البته برخی از محققان، پیام صادر شده از سوی حضرت حجت (ع) برای آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی را نیز از مقوله «توقیعات ناحیه» مقدسه قلمداد کرده‌اند. [۶۳].

مضامین نامه‌ها و توقیعات امامان شیعه

چنان که در مباحث پیشین یادآور شدیم، نامه‌ها و توقیعات ائمه (ع) در زمینه‌های مختلف، به طور مستمر به وسیله دستیاران و کیلان آنان، به دست شیعیان می‌رسید. این نوشته‌ها، یا پاسخ به سؤال و درخواستی بود، و یا ابتدائاً برای بیان مطلب و راهنمایی و دستور عمل، برای شیعیان صادر می‌شد، و یا پاسخ به نامه برخی از خلفا و صاحب منصبان عباسی بود. بررسی مضامین تعداد بسیاری از این مکتوبات، این معنا را ثابت می‌کند که امامان شیعه (ع) در هر زمینه ممکن، مورد مراجعه، مشورت و یاری طلبی از سوی شیعیان بودند؛ و این، حتی شامل امور بسیار جزئی و شخصی زندگی؛ همچون خرید و فروش کنیز یا غلام یا دکان و اقدام برای فرزند دار شدن و امثال آن می‌شد. با بررسی محتوا و مضامین این مکتوبات، می‌توان آنها را تحت بیست عنوان نسبتاً کلی گنجانند، که ذیلاً بدان می‌پردازیم و فهرستی از نمونه‌های متعدد مربوط به هر عنوان را در پی نوشت ارائه خواهیم نمود. عناوین یاد شده عبارت است از: اعلام تعیین و نصب و کیلان و توثیق و مدح برخی از آنان، و بیان شخصیت ایشان به شیعیان؛ [۶۴]. انجام دادن راهنمایی‌های لازم نسبت به و کیلان و کارگزاران ائمه (ع)؛ [۶۵]. پاسخ به سؤالات مختلف دینی، در زمینه‌های فقهی، کلامی، تفسیری، حدیثی، تاریخی و ارائه مواظب اخلاقی؛ [۶۶]. اعلام رسید وجوه شرعی و اموال تحویل شده به و کیلان ائمه (ع)، و یا طلب وجوه شرعی؛ [۶۷]. معرفی امام معصوم (ع) به شیعیان؛ [۶۸]. دفاع از مظلوم، و بشارت رفع ظلم به شیعیان؛ [۶۹]. اعلام خیانت خائنان، غلو غالیان، انحراف منحرفان و رد بر آنان؛ [۷۰]. نامه یک امام به امام بعدی یا به برخی از خلفای عباسی؛ [۷۱]. نهی از امور غیر امنیتی و غیر شرعی؛ [۷۲]. اعلام نفرین امام (ع) بر ضد مخالفان و افراد منحرف و فاسد؛ [۷۳]. حسابرسی و انتقاد از عملکرد برخی افراد؛ [۷۴]. پاسخ به درخواست‌های مختلف جزئی، همچون درخواست وجه یا کفن یا دست خط یا تقسیط وجوه شرعی؛ [۷۵]. پاسخ به استیذان شیعیان برای امور مختلف شخصی؛ همچون انجام حج، سفر، فرزند دار شدن، خرید و فروش و...؛ [۷۶]. پاسخ به طلب دعا از سوی شیعیان در زمینه‌های مختلف؛ [۷۷]. اخبار و پیش‌گویی از امور مخفی و مافی الضمیر افراد، و حوادث جزئی یا کلی آینده؛ [۷۸]. اعلام وفات یا تاریخ وفات افراد؛ [۷۹]. اعلام نیازهای شخصی و روزمره امامان (ع) به خادمان؛ [۸۰]. پاسخ به بعضی از انتقادات بر ائمه (ع)؛ [۸۱]. اعلام عفو و قبول عذر برخی شیعیان؛ [۸۲]. پیام تعزیت در رحلت سفیر و نماینده امام (ع) یا افراد دیگر. [۸۳].

پاورقی

- [۱] رجال کشی، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش، ص ۴۳۱، ح ۸۰۷ و ۸۰۸.
- [۲] همان، ص ۴۳۶، ح ۸۲۱.
- [۳] معادن الحکمه، محمدبن محسن فیض کاشانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۲، صص ۱۴۵-۱۴۷، ح ۱۳۵ و ص ۱۷۲، ح ۱۴۱.
- [۴] همچون نامه امام رضا (ع) به «محمدبن سنان» در پاسخ به نامه وی؛ همان، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۱۳۶ از علل الشرایع، ص ۲۷۹، ص طبع قم؛ و نامه امام جواد (ع) به «ابوعلی احمدبن حماد مروزی» در پاسخ به نامه مفصل وی؛ همان، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۲ و نامه امام جواد (ع) به علی بن مهزیار اهوازی و مدح او؛ همان، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱۵۶، از کتاب الغیبه، شیخ طوسی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۱۱؛ و نامه امام هادی (ع) به «علی بن بلال»؛ معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۵۸ از توحید صدوق، ص ۴۵۹؛ و نامه امام هادی (ع) به «علی بن عمرو قزوینی» درباره «فارس بن حاتم قزوینی»؛ همان، ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۱۶۲؛ و نامه امام هادی (ع) به «محمدبن فرج» و هشدار به وی به جهت خطر دستگیری؛ همان، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۱۶۸-۱۷۰ از کافی، ج ۱، ص ۵۰۰؛ و نامه امام عسکری (ع) به «اسحاق بن اسماعیل نیشابوری» و جمعی دیگر از وکیلان؛ معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۱۹۱ از رجال کشی، ص ۵۷۵، ح ۱۰۸۸؛ و نامه‌های امام عسکری (ع) به عثمان بن سعید عمری؛ مناقب آل ابی طالب، محمد بن شهر آشوب سروی مازندرانی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، صص ۴۲۷ و ۴۲۸.
- [۵] الخرائج و الجرائح، ابوالحسن سعید بن هبةالله، قطب الدین راوندی، به تحقیق مؤسسه الامام المهدي (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۷۱۵.
- [۶] معادن الحکمه، ج ۲، صص ۱۳۷ - ۱۴۰ از رجال کشی، ص ۲۸۳ و روضه کافی، صص ۱۲۴ - ۱۲۶.
- [۷] ر.ک. فرهنگ بزرگ جامع نوین، (ترجمه المنجد) ج ۲، ص ۲۲۱۵.
- [۸] ر.ک. تاج العروس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت، دار مکتبه الحیاء، بی تا، ج ۵، ص ۵۴۹.
- [۹] درباره موارد یاد شده ر.ک: لغت نامه دهخدا، واژه «توقیع».
- [۱۰] تاج العروس، ج ۵، ص ۵۴۹.
- [۱۱] ر.ک: معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة (ع)، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۱۹۱ از رجال کشی، ص ۵۷۵، ح ۱۰۸۸؛ «حکی بعض الثقات نیشابور آنه خرج لاسحاق بن اسماعیل من ابی محمد (ع) توقیع...».
- [۱۲] ر.ک. تاریخ الغیبه الصغری، محمد صدر، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۰ ق، ص ۴۳۴؛ و دائرةالمعارف تشیع، زیر نظر حاج سید جوادی، فانی و خرمشاهی، بنیاد فرهنگی شط، تهران، ۱۳۶۹ ش، ج ۵، ص ۱۵۳-۱۵۰.
- [۱۳] رجال کشی، ص ۵۱۳، ح ۹۹۱.
- [۱۴] کلمه الامام المهدي (ع)، شهید سید حسن شیرازی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۹۹.
- [۱۵] الکافی، ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۷.
- [۱۶] کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۷۵، ح ۲۵.
- [۱۷] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۶.
- [۱۸] در این باره، ر.ک: تاریخ الغیبه الصغری، صص ۴۳۰ - ۴۳۲.
- [۱۹] ر.ک. دائرةالمعارف تشیع، ج ۵، صص ۱۵۰ - ۱۵۳.

- [۲۰] رجال کشی، ص ۵۳۶، ح ۱۰۲۰.
- [۲۱] همان، ص ۵۲۵، ح ۱۰۰۷.
- [۲۲] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۲۸.
- [۲۳] همان، ص ۱۸۵.
- [۲۴] رجال کشی، ص ۴۳۶، ح ۸۲۱.
- [۲۵] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۹۱.
- [۲۶] الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۹۵، ح ۹.
- [۲۷] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، صص ۱۹۲-۱۹۳.
- [۲۸] همان، ص ۱۹۵.
- [۲۹] همان، ص ۱۸۴.
- [۳۰] ر.ک. تاریخ الغیبه الصغری، صص ۴۳۵-۴۳۷.
- [۳۱] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۵۲.
- [۳۲] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۲۲، ح ۵۱؛ الاحتجاج، ابومنصور طبرسی، با تصحیح و تعلیق سید محمد باقر موسوی خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ، ص ۴۸۰.
- [۳۳] کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۴ ش، ج ۳، ص ۲۶۱.
- [۳۴] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، صص ۱۹۲-۱۹۳.
- [۳۵] همان، ص ۱۸۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۷۹-۴۸۰، ح ۲۰.
- [۳۶] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۷.
- [۳۷] ر.ک. همان، ص ۱۸۵.
- [۳۸] همان، ۱۸۴.
- [۳۹] نجاشی در رجال خود، در ذیل عنوان «محمد بن عبدالله حمیری» چنین آورده: «کان ثقۀ وجهاً کاتب صاحب الامر (ع) و ساله مسائل فی ابواب الشریعۀ، قال لنا احمد بن الحسين: وقعت هذه المسائل التي فی اصلها والتوقیعات بین السطور...»؛ ر.ک. رجال نجاشی، قم، مکتبه‌الداوری، بی تا، ص ۲۵۱.
- [۴۰] ر.ک. تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۴۰.
- [۴۱] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۵.
- [۴۲] همان، ص ۲۱۹.
- [۴۳] همان، ص ۲۲۱.
- [۴۴] همان، ص ۱۸۷.
- [۴۵] تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۴۳.
- [۴۶] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۹۹.
- [۴۷] به عنوان نمونه، در جریان شفا یافتن «سرور اهوازی» به دعای ناحیه مقدسه، آمده که پس از درخواست پدر و عموی وی از «حسین بن روح» مبنی بر طلب دعا از حضرت حجت (ع) برای باز شدن زبان وی، «ابن روح» بدون تأمل گفت: «شما مأمور شده‌اید که به حائر (حسینی) بروید!»؛ و پس از رفتن به حائر، وی شفا می‌یابد؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۸؛ و همچنین اعلام شفاهی

نصب «حسین بن روح» به عنوان جانشین سفیر، توسط «محمد بن عثمان عمری» به گروهی از بزرگان شیعه؛ کمال الدین و تمام النعمه، ۵۰۳، ح ۳۳؛ همین طور ارسال شفاهی پیام حضرت حجت (ع) به شخصی به نام «عقیقی»؛ همان، ص ۵۰۵، ح ۳۶ از دیگر نمونه‌ها هستند.

[۴۸] به عنوان نمونه، می‌توان به نقل صدوق از «عاصمی» درباره فردی اشاره کرد که در مورد واسطه‌ای که بتواند وجوه شرعی را از طریق او به حضرت حجت (ع) برساند در حیرت و تردید بود، که ناگاه صدای هاتفی را شنید که می‌گفت: «آنچه همراه داری را به حاجز تحویل ده!» ولی در مورد فردی دیگر به نام «ابومحمد سروی»، همین پاسخ به صورت مکتوب خارج شد: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۸، ح ۲۳؛ و نمونه دیگر مربوط به «ابو رجاء مصری» است که پس از شهادت امام عسکری (ع) در طلب جانشین حضرت از مصر خارج شد و پس از سه سال در منطقه «صریاء» در نزدیکی مدینه، صدای هاتفی را (بدون آن که شخصی را ببیند) شنید که به وی گفت: «ای نصر بن عبد ربّه! به اهل مصر بگو: آیا ایمان شما به رسول خدا (ص) پس از دیدن او بود؟!؛ کتایه از این که غیبت مهدی (ع) نباید مانع ایمانتان به وی باشد، چنان که بدون دیدن رسول خدا (ص) به وی ایمان آورده‌اید! و ابو رجاء گوید: نام پدرم را تا آن لحظه نمی‌دانستم! چرا که پس از ولادتم، پدرم رحلت کرده و «نوفلی» مرا از محل ولادتم در مدائن (به مصر) برده بود؛ و پس از شنیدن این ندا، به سمت مصر حرکت کردم؛ همان، ص ۴۹۱، ح ۱۵.

[۴۹] به عنوان نمونه، در یک مورد، هنگامی که «فضل همدانی» مکاتبه‌ای به خط یکی از فقیهان برای ناحیه مقدسه ارسال می‌دارد، پاسخی برای آن صادر نمی‌شود! و پس از مدتی، معلوم می‌شود که آن فرد به مذهب قرامطه گردیده است؛ الارشاد، شیخ مفید، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۹ ه، ص ۳۵۳؛ و در موردی دیگر، هنگامی که «ابوجعفر محمد بن علی اسود» به توصیه «علی بن بابویه» از «حسین بن روح» می‌خواهد که برای فرزند دار شدن ابن بابویه از ناحیه مقدسه طلب دعا کند، پس از سه روز، بشارت اولادی برای «ابن بابویه» ابلاغ می‌شود! ولی در قبال شبیه همین درخواست از سوی «محمد بن علی اسود» برای خودش، پاسخی نمی‌آید! و «حسین بن روح» به وی می‌گوید: «راهی برای اجابت درخواست تو وجود ندارد»؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۹۵.

[۵۰] ر.ک: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۵۷؛ تعبیر شیخ طوسی درباره «ابوالحسین اسدی» و برخی دیگر، همچون «احمد بن اسحاق» و «ابراهیم بن محمد همدانی» و «احمد بن حمزه بن یسع» چنین است: «و قد کان فی زمان السفراء المحمودین أقوام ثقافت تردّ علیهم التوقیعات من قبل المنصوبین للسفارة من الاصل...».

[۵۱] همان، ص ۱۸۹؛ در نقل شیخ طوسی درباره «قاسم بن علاء» آمده که: توقیعات ناحیه مقدسه به طور مستمر در عصر سفیر دوم و سوم برای وی ارسال می‌شد؛ ولی هنگامی که به مدت دو ماه ارسال توقیعات قطع شد، این امر موجب بروز نگرانی در «قاسم بن علاء» گشت که ناگاه خبر آوردند «فیج العراق» رسید! و این واژه، اصطلاحی بود که بر پیک اعزامی از سوی ناحیه مقدسه اطلاق می‌شد؛ و به گفته علامه مجلسی، «فیج» معرّب «پیک» است و به معنی قاصد و برید؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.

[۵۲] کمال الدین و تمام النعمه: ص ۴۷۵، ح ۲۵.

[۵۳] نمونه‌های متعددی از این نوع توقیعات در دست است که در ضمن بحث از مضامین توقیعات، به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

[۵۴] به عنوان نمونه، ر.ک: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۷؛ اصرار ناحیه مقدسه بر اظهار توقیع مشتمل بر لعن «شلمغانی»، به حدّی بود که علی رغم درخواست «ابن روح» مبنی بر تأخیر در اظهار آن به خاطر محبوس بودن ابن روح، ناحیه مقدسه همچنان به اظهار آن تأکید ورزیده، و از جهت خطرات احتمالی نیز به ابن روح اطمینان خاطر داده بود! و همین طور می‌توان به توقیع عمومی صادر شده از ناحیه امام هادی (ع) در لعن و طرد «فارس بن حاتم قزوینی» اشاره نمود؛ رجال کشی، ص ۵۲۶، ح ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.

[۵۵] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۶.

[۵۶] همان، ص ۲۲۳.

[۵۷] همان، ص ۱۸۹.

[۵۸] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۹۳؛ فقرات انتهایی کتاب «التنبیه فی الامامة» از «ابوسهل نوبختی» توسط شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه، صص ۸۸ - ۹۴ آمده است.

[۵۹] ر.ک: مکتب در فرایند تکامل، دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه هاشم ایزدپناه، ایالات متحده، نیوجرسی، نشر داروین، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۱.

[۶۰] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۹.

[۶۱] همان، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

[۶۲] الاحتجاج، ص ۴۹۷ - ۴۹۸.

[۶۳] ر.ک: دائرةالمعارف تشیع، ج ۵، صص ۱۵۰ - ۱۵۳.

[۶۴] به عنوان نمونه، نامه امام هادی (ع) به شیعیان بغداد و مدائن و قرای سواد در معرفی «ابوعلی بن راشد» به عنوان وکیل امام (ع) در این نواحی به جای «علی بن حسین بن عبد ربّه»؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۲؛ رجال کشی، ص ۵۱۳، ح ۹۹۲؛ و نامه امام عسکری (ع) به سران شیعه در نیشابور در معرفی «ابراهیم بن عبده» به عنوان وکیل امام (ع) در این منطقه؛ رجال کشی، ص ۵۰۹، ح ۹۸۳ و صص ۵۷۵ - ۵۸۰، ح ۱۰۸۸؛ و نامه امام جواد (ع) به «ابراهیم بن محمد همدانی» مبنی بر جانشینی پس از وفات «یحیی بن ابی عمران» به وکالت قم؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۹۷؛ و نامه امام جواد (ع) در مدح و تمجید از «زکریابن آدم» پس از وفات وی؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۱؛ و همین طور، نامه آن حضرت در تمجید از «عبدالعزیز بن مهتدی» همان؛ و مدح و توثیق «ابوجعفر عمری» و پدرش و «شاذان بن نعیم» در توقیع ناحیه مقدسه به «اسحاق بن یعقوب» و «محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی»؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۲۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵، ح ۴؛ و توقیع امام عسکری (ع) به «ابوطاهر بن بلال» در دفاع از شخصیت و عملکرد وکیل مبرزش، «علی بن جعفر» و ردّ انتقاد بلالی از عملکرد وی در سفر حجّ؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۲؛ و توقیع مربوط به نصب «محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی» به جای پدرش توسط ناحیه مقدسه؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶، ح ۸؛ و توثیق و معرفی «حاجز بن یزید و شاء» و «اسدی»، به عنوان وکلای مورد اعتماد، به برخی از شیعیان؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۵، ح ۱۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۸، ح ۲۳.

[۶۵] به عنوان نمونه، توقیع صادر شده از سوی ناحیه مقدسه در نهی و کیلان از اخذ هرگونه وجهی تا اطلاع ثانوی به خاطر اعزام جاسوسان از سوی وزیر عباسی؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰، ح ۳۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۶؛ و توقیع ناحیه مقدسه در نهی از ذکر نام حضرت؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۲، ح ۱ و ۳؛ و توقیع امام هادی (ع) به وکیل مبرزش، «محمد بن فرج»، مبنی بر وجود خطر دستگیری برای وی؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۱۴؛ و توقیع ناحیه مقدسه به «حاجز بن یزید» و دستور ارسال ده دیناری که حاجز فراموش کرده بود؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۳، ح ۱۸؛ و توقیع ناحیه به «حسن بن نصر» و راهنمایی وی برای تحویل وجوه شرعی به امام (ع)؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۷، ح ۴؛ و توقیع ناحیه به «محمد بن صالح» و دستور اخذ اموال متعلق به ناحیه از بدهکاران؛ همان، ص ۵۲۱، ح ۱۵.

[۶۶] در زمینه مسائل فقهی، به عنوان نمونه بنگرید به: توقیع صادر شده از سوی ناحیه مقدسه در پاسخ به سؤالات فقهی ابوالحسین اسدی؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ و توقیع دیگر مبنی بر نهی از اکل اموال امامت؛ همان، ص ۵۲۲، ح ۵۱ و احتجاج، ص ۴۸۰؛ و توقیع صادر شده در پاسخ سؤالات فقهی عبدالله بن جعفر حمیری؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۲۹ و رجال نجاشی، ص ۲۵۱ و احتجاج، ص ۴۸۱؛ و توقیع صادر شده برای جعفر بن حمدان؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۰، ح ۲۵؛ و

توقیع امام عسکری (ع) به محمد بن صالح خثعمی و پاسخ از سؤال ذهنی وی درباره اکل بطیخ، بدون آنکه وی سؤال کرده باشد؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۸؛ و پاسخ‌های امام رضا (ع) به سؤالات فقهی؛ همان، ج ۴، ص ۳۵۵ و ۳۵۷؛ و پاسخ امام کاظم (ع) و امام هادی (ع) از سؤال از جواز سجده بر شیشه؛ همان، ج ۴، ص ۳۰۴ و کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۴۵ و پاسخ سؤالات احمد بن ابی روح درباره لباس نماز گزار در توقیع ناحیه مقدسه؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، صص ۷۰۲ - ۷۰۳، ح ۱۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷، ح ۲۳ و ج ۶۶، ص ۲۶ و ج ۸۳، ص ۲۲۷، ح ۱۶؛ و توقیع صادر شده برای اسحاق بن یعقوب از سوی ناحیه مقدسه؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۳، ح ۴؛ و پاسخ امام عسکری (ع) به محمد بن ریان بن صلت درباره خمس؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۶؛ و سؤال از امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) در این باره؛ همان، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۱۲ و ۱۳؛ و سؤال علی بن مهزیار از امام رضا (ع) در این باره؛ همان، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۲؛ و توقیع امام جواد (ع) به علی بن مهزیار درباره خمس و برخی مسائل مربوط به آن؛ همان، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۴؛ و مسائل الشیعیه، ج ۴، ص ۳۴۹، ح ۵؛ و نامه امام رضا (ع) به یکی از تجار فارس و نفی تحلیل خمس؛ همان، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۵؛ و در زمینه مسایل کلامی، به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع صادر شده برای اسحاق بن یعقوب؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۳، ح ۴ و الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ و توقیع ناحیه مقدسه در پاسخ به سؤال قمیین از عقیده به تفویض خلق و رزق درباره ائمه (ع) که توسط «علی بن احمد دلال قمی» نقل شده؛ الاحتجاج، ص ۴۷۱؛ و جریان نامه جعفر کذاب به برخی از قمیین و دعوت به سوی خود، و اعلام این مسأله توسط احمد بن اسحاق به ناحیه مقدسه، و توقیع ناحیه برای احمد بن اسحاق در این باره؛ الاحتجاج، ص ۴۶۸؛ و سؤال شخصی از ابن روح درباره امام حسین (ع) و علت شهادتش، و پاسخ شفاهی وی که به تصریح خودش از اصل (حضرت حجت (ع)) شنیده شده بود؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، صص ۱۹۶ و ۱۸۹؛ الاحتجاج، ص ۴۷۲؛ و سؤال محمد بن اقرع از امام عسکری (ع) درباره احتلام ائمه (ع) و پاسخ آن؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۰۲، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۴۶؛ اثبات الوصیه، علی بن حسین مسعودی، نجف ۱۹۵۵ م، ص ۲۴۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۱۲. و سؤال از امام عسکری (ع) درباره ولایت یا تبرّی از واقفه و پاسخ حضرت؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۲؛ و سؤال از کیفیت قضاوت حضرت مهدی (ع) پس از ظهور و پاسخ امام عسکری (ع) به آن؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۱۳؛ و سؤال علی بن مهزیار درباره فرج و پاسخ امام هادی (ع)؛ اثبات الوصیه، ص ۲۵۹. و در زمینه مسائل تفسیری و حدیثی و سایر زمینه‌های دینی، به عنوان نمونه بنگرید به: پاسخ امام عسکری (ع) به سؤال «محمد بن درباب رقاسی» از معنای مشکوّه؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۰۱؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۳؛ و سؤال از تفسیر ولیجه، و سؤال ذهنی درباره مراد از مؤمنین در آیه «ولم یتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه» (توبه: ۱۵) و پاسخ هر دو سؤال توسط امام عسکری (ع)؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۹؛ و توضیح معنای حدیث «حدیثنا لا یحتمله الا ملک مقرب» در توقیع امام هادی (ع)؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۴؛ و توضیح حدیث «خُدّمانا و قوامنا شرار خلق الله» در توقیع ناحیه مقدسه به محمد بن صالح همدانی؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۳، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۳؛ و تعلیم دعای مناسب برای غیبت حضرت مهدی (ع) توسط ابوجعفر عمری به ابوعلی بن همّام که به تصریح خود سفراء آنچه می‌گفتند مسموع از حضرت بود؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۲، ح ۴۳؛ و مواعظ اخلاقی و کلمات انتقادی امام عسکری (ع) در توقیع به اهالی نیشابور؛ رجال کشی، ص ۵۷۵، ح ۱۰۸۸؛ و نامه آن جناب به اهالی قم و آبه در فضل ولایت اهل بیت (ع)؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۵؛ و توقیع امام عسکری (ع) به ابوالقاسم هروی؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۳۵؛ اثبات الوصیه، ج ۲۳۹.

[۶۷] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع حضرت حجت (ع) به محمد بن شاذان نیشابوری و اعلام رسیدن پانصد درهمی که وی فرستاده بود؛ و اخبار از این که بیست درهم آن از مال خودش بوده؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶، ح ۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۲۳؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۷، ح ۱۴؛ و توقیع ناحیه مقدسه درباره خصوصیات مالی که یکی از شیعیان بلخ

ارسال کرده بود؛ و پاسخ حضرت از نامه بی مداد؛ کمال الدین، ص ۴۸۸، ح ۱۱؛ و توقیع ناحیه به «حاجز» و امر به ارسال دینارهای «ابورمیس» که «حاجز» فراموش کرده بود؛ همان، ص ۴۹۳، ح ۱۸؛ و توقیع مربوط به ابوالقاسم بن حلیس مبنی بر رسید وجوه شرعی؛ همان، ص ۴۹۴، ح ۱۸؛ و توقیع امام جواد (ع) به ابن اورمه مبنی بر رسید اموال ارسال و خصوصیات آن؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵۲، ح ۲۶؛ اثبات الهداء، ج ۶، ص ۱۸۵، ح ۲۸؛ و توقیع ناحیه مقدسه به «محمد بن حصین کاتب» و اعلام رسید دویست دینار از هزار دینار بدهی وی به ناحیه؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۶، ح ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۹۴، ح ۵؛ اثبات الهداء، ج ۷، ص ۳۴۴؛ و توقیع امام عسکری (ع) به «علی بن محمد بن زیاد صمیری» مبنی بر رسید اموال ارسالی توسط وی و پسر عمش بدون آنکه در نامه‌اش به حضرت اشاره به اموال او کرده باشد؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۷؛ و توقیعات امام عسکری (ع) به حسین بن مختار از حبس، مبنی بر معرفی جانشین و دستورات مالی؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸ و ۹؛ و توقیع ناحیه به «ابن عجمی» درباره مالی که برای فرزندش کنار نهاده و فراموش کرده بود و ثلث کل اموال را برای ناحیه قرار داده بود؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۲۶؛ و توقیع ناحیه درباره دستور پرداخت مستمری به دو تن از شیعیان که احتمالاً از وکلای ناحیه بودند؛ همان، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۲۴؛ و دستور اخذ اموال متعلق به ناحیه مقدسه در توقیع به محمد بن صالح؛ همان، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۵؛ و توقیع ناحیه مقدسه به بدر، غلام احمد بن حسن، و دستور ارسال هفتصد دیناری که یزید بن عبدالله برای ناحیه وصیت کرده بود؛ همان، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۱۶؛ و توقیع ناحیه به «محمد بن جعفر اسدی» و امر به قبض دکان‌های متعلق به ناحیه مقدسه از «محمد بن هارون همدانی»؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۴۸؛ و توقیع ناحیه مقدسه به یکی از شیعیان اهل قُرای سواد و ردّ وجوه شرعی ارسالی به خاطر آمیختگی آن با اموال پسر عمومیش؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶، ح ۶.

[۶۸] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع امام عسکری (ع) به ابوطاهر بلالی در معرفی جانشین خود؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۹، ح ۲۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱؛ و توقیع ناحیه مقدسه به «احمد بن خضر» که در طلب حُجّت زمانش بود؛ در این توقیع آمده است: «من بحث فقد طلب و من طلب فقد دُلّ، و من دُلّ فقط اشاط، و من اشاط فقد اشرك»؛ لذا وی منصرف از طلب شد و بازگشت؛ چرا که عصر، عصر غیبت بود و بروز حضرت برای شیعیان، خطر آفرین؛ همان، ص ۵۰۹، ح ۳۹؛ و توقیع امام هادی (ع) به «علی بن عمرو» و «ابوبکر فهفکی» و «شاهویه بن عبدالله جلاب» در معرفی فرزند بزرگترش به عنوان جانشین؛ الارشاد، ص ۳۳۶؛ اثبات الوصیه، ص ۲۳۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ ج ۵ و ۱، ص ۳۲۸؛ و توقیع امام هادی (ع) که حاوی وصیت آن جناب درباره جانشینی امام عسکری (ع) بود و آنرا هنگام رحلت به خادمش سپرد؛ و او نیز ده نسخه استنساخ نمود و به سران شیعه داد؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۳۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲؛ و پاسخ مکتوب امام رضا (ع) به «ابن قیاما واسطی» و اخبار از تولّد امام جواد (ع) در آینده به عنوان جانشین آن جناب؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۹۹؛ و توقیعات امام کاظم (ع) از حبس به «حسین بن مختار» و «علی بن یقطین» در معرفی امام رضا (ع) به عنوان جانشین؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸ و ۹ و ۱۰.

[۶۹] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع امام عسکری (ع) به «شفیع خادم»، وکیل حضرت در مصر، و امر به استرداد زمین غصب شده متعلق به «سیف بن لیث»؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۱۸؛ و نامه شکایت‌آمیز «محمد بن حجر» به امام عسکری (ع) درباره دو نفر که وی را مورد اذیت قرار می‌دادند؛ و پاسخ آن جناب و بشارت به مرگ آن دو؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۵؛ و نامه ایوب بن نوح به امام هادی (ع) در مورد اذیت «جعفر بن عبدالواحد قاضی» و پاسخ حضرت مبنی بر رفع اذیت وی ظرف دو ماه؛ که نهایتاً با عزل وی از کوفه، وعده حضرت محقق شد؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۴۷؛ و نامه «محمد بن ریّان» به آن حضرت و شکوه از اذیت یک دشمن و پاسخ حضرت که مشتمل بر بشارت به رفع ظلم از وی بود؛ و سرانجام شخص مزبور به بدترین وضع و با ذلّت و فقر از دنیا رفت؛ همان، ج ۳، ص ۲۵۱؛ و بشارت امام عسکری (ع) به «سمیع مسمعی» درباره نزدیکی خلاصی از اذیت همسایه‌اش؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۳۳؛ و توقیع امام هادی (ع) در

تبرئه «محمد بن اورمه قمی» از اتهام غلو؛ رجال علامه حلی، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق، ص ۲۵۳.

[۷۰] به عنوان نمونه، توقیعات امام هادی (ع) درباره غلاتی همچون نمیری و ابن حسکه و ابن بابا و یقطینی و فارس بن حاتم در رجال کشی، صص ۵۱۶ - ۵۱۹، ح ۹۹۴ - ۹۹۷، و ص ۵۲۰، ح ۹۹۹ و ۱۰۰۰؛ و توقیع امام جواد (ع) درباره احمد بن محمد سیاری؛ رجال کشی، ص ۶۰۶، ح ۱۱۲۸؛ و توقیع ناحیه مقدسه در اعلام لعن و انحراف هلالی و شریعی و نمیری و بلالی و شلمغانی؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۹، ح ۱۲؛ الاحتجاج، ص ۴۷۴؛ و توقیع ناحیه مقدسه به سفیر اول و دوم در ردّ دعاوی عمویش، جعفر کذاب؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۰، ح ۴۲؛ و همین طور، توقیع دیگری از ناحیه مقدسه به «احمد بن اسحاق قمی» در ردّ دعاوی جعفر؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، صص ۱۷۴ و ۲۱۸؛ و ردّ صاحب زنج در توقیع امام عسکری (ع) به «محمد بن صالح خثعمی»؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۸.

[۷۱] به عنوان نمونه، بنگرید به: نامه امام رضا (ع) به امام جواد (ع) که از مکه توسط «محمد بن میمون» به مدینه فرستاده شد، و این در دوران صباوت و کودکی امام جواد (ع) بود؛ به نحوی که «موفق» خادم، حضرت را در گهواره حمل می نمود! الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱؛ و نامه‌ای دیگر در عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۳ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ و سؤال کتبی مأمون از امام رضا (ع) درباره حقیقت اسلام و پاسخ مفصل حضرت؛ معادن الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۳۷.

[۷۲] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع امام عسکری (ع) به «محمد بن علی سمی» و هشدار نسبت به خطر قریب الوقوع؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۵ و تصمیم «احمد بن عمر حلال» بر قتل «اخرس» به خاطر بدگویی وی نسبت به امام کاظم (ع) و توقیع امام کاظم (ع) مبنی بر نهی وی از انجام تصمیم مذکور؛ و سرانجام پس از مدت کوتاهی، اخرس، خود به هلاکت رسید؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۵۹، ح ۶۹؛ و توقیع ناحیه مقدسه در منع و کیلان از اخذ وجوه شرعی تا اطلاع ثانوی به خاطر توطئه وزیر عباسی بر ضد آنان با ارسال تعدادی جاسوس نزد و کیلان؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰، ح ۳۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۳۰.

[۷۳] به عنوان نمونه، بنگرید به: نفرین امام عسکری (ع) بر ضد مستعین و اعلام آن به «ابی عبدالله بن طاهر»؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، صص ۴۲۹ - ۴۳۰، ح ۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۲۸؛ اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۱۸، ح ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۴۸، ح ۲.

[۷۴] ر.ک: به کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶، ح ۶ و ص ۴۹۰، ح ۱۳.

[۷۵] به عنوان نمونه، بنگرید به: سؤال «علی بن محمد بن اسحاق اشعری» از ناحیه درباره حملی که همسرش مدعی بود از او نیست. و همینطور درخواست تقسیط پرداخت قیمت خانه‌ای که وی برای ناحیه مقدسه فروخته بود؛ و پاسخ مثبت ناحیه درباره درخواست تقسیط و سکوت درباره سؤال از حمل، چرا که اصلاً حملی در میان نبود؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۷، ح ۱۹؛ و درخواست «ابراهیم بن فرج» از ناحیه درباره نام فرزندش؛ همان، ص ۴۹۸، ح ۲۲ و درخواست مشابه از امام عسکری (ع) و پاسخ حضرت که: «سمّه جعفرأ و کنه بأبی عبدالله»؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۳؛ و توقیع امام هادی (ع) به ایوب بن نوح: «اذا وُلد لک فسمّه محمداً»؛ همان، ج ۳، ص ۲۴۶؛ و درخواست «احمد بن اسحاق قمی» از امام عسکری (ع) نمونه‌ای از دست خط شریف حضرت را، و پاسخ مثبت آن جناب؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۷؛ و توقیع ناحیه در پاسخ به درخواست کفن توسط «علی بن محمد صیمری» بدین مضمون که: «انه یحتاج الیه سنه ثمانین» أو «احدی و ثمانین» (تردید از راوی است)؛ و در همان سال، یک ماه قبل از مرگش، ناحیه مقدس کفنش را ارسال نمود؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۱، ح ۲۶؛ الارشاد، ص ۳۵۶.

[۷۶] به عنوان نمونه، بنگرید به: استیذان یکی از شیعیان با کنیه ابوجعفر، از ناحیه مقدسه درباره تطهیر فرزند تازه متولد شده‌اش در روز هفتم ولادت، و پاسخ منفی ناحیه، و مردن طفل در روز هفتم یا هشتم، و توقیع مجدد ناحیه و بشارت به دو فرزند دیگر، و امر به نام نهادن یکی به احمد و دیگری به جعفر؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۰۴، ح ۲۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۱۷؛ الارشاد، ص

۳۵۵؛ و استیذان وی خروج برای حجّ را، و پاسخ منفی ناحیه و توقیع دیگر و بشارت به انجام حجّ در سال بعد؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۴۸؛ و استیذان محمد بن صالح از ناحیه مقدسه در مورد استیلاذ یکی از کنیزانش، و پاسخ مثبت ناحیه به ضمیمه این جمله: «ويفعل الله ما يشاء!» پس از حامل شدن، کنیز مزبور سقط کرده و خود نیز می‌میرد؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۲۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۹، ح ۱۲؛ و استیذان «علی بن محمد شمشاطی» از ناحیه مقدسه برای سفر با قافله یمنی‌ها و نهی ناحیه از آن، و حمله راه‌زنان به آن قافله؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۹۱، ح ۱۴؛ و شبیه آن در مورد «علی بن حسین یمانی»؛ الارشاد، ص ۳۵۲؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۴۴. نهی امام عسکری (ع) از خرید کنیزی به خاطر جنون او و کوتاهی عمرش؛ اثبات الوصیّه، ص ۲۴۲.

[۷۷] به عنوان نمونه، بنگرید به: درخواست «قاسم بن علاء» از ناحیه مقدسه، دعا برای فرزندانش را، و عدم پاسخ، و مردن همه آنها، و درخواست مجدد برای فرزندش، حسین، و پاسخ مثبت ناحیه؛ الارشاد، ص ۳۵۲؛ و دعای ناحیه برای شفای زخم ناسور «محمد بن یوسف شاشی»؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۹، ح ۱۱؛ کشف الغمّه ج ۳، ص ۳۴۴؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۵؛ و توقیع امام عسکری (ع) به محمد بن حسن، و دعا برای شفای چشم وی؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۳۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷؛ و آموختن طریق مداوای «حکم بن یسار مروزی» که بصورت مذبوح رها شده بود، توسط امام جواد (ع)؛ همان، ج ۴، ص ۳۹۷؛ و توقیع امام عسکری (ع) درباره مداوای تب با آویختن آیه «یا نازکونی برداً و سلاماً علی ابراهیم»؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۸.

[۷۸] به عنوان نمونه، بنگرید به: اخبار امام عصر (ع) به «محمد بن ابراهیم بن مهزیار» درباره موقوف آنچه وی و پدرش درباره اموال ناحیه گفته و کرده بودند؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۷، ح ۸؛ و توقیع ناحیه مقدسه و اخبار از بقاء یا موت حمل در موارد متعدد؛ همان، ص ۴۸۹، ح ۱۲ و ص ۴۹۲، ح ۱۵؛ و شرح آنچه در یکی از مجالس شیعیان گذشته بود در توقیعی از ناحیه مقدسه؛ همان، ص ۴۹۸، ح ۲۲؛ و اخبار ناحیه مقدسه از میزان دقیق وجوه شرعی به «محمد بن شاذان بن نعیم»؛ همان، ص ۵۰۹، ح ۳۸؛ طلب کردن ناحیه مقدسه ۷۰۰ دینار متعلق به ناحیه را، از بدر، غلام احمد بن حسن؛ الارشاد، ص ۳۵۴؛ و اخبار امام عسکری (ع) از عدم بروز کم آبی و عطش در سفر حج، در توقیع به «ابوعلی طهری»؛ همان، ص ۳۴۲؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۶؛ و اخبار ناحیه مقدسه از فراموشی تحویل شمشیر متعلق به ناحیه توسط مرد آوجی؛ الارشاد، ص ۳۵۵؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۵۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۲۰؛ و اخبار امام عسکری (ع) از مسأله فراموش شده توسط سائل؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۱۰؛ و اعلام انتهای عصر غیبت صغری در توقیع به سفیر چهارم؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۰.

[۷۹] به عنوان نمونه، بنگرید به: اخبار امام هادی (ع) از شهادت ابو علی بن راشد و ابن بندو عاصمی در توقیع به «محمد بن فرج»؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، صص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ و اخبار ناحیه مقدسه از موت حاجز؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۸، ح ۹؛ و توقیع ناحیه مقدسه به سفیر چهارم و اعلام تاریخ وفات او؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۲؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۰؛ و توقیع مشابه ناحیه به «قاسم بن علاء»، و کیل آذربایجان؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۹؛ و اخبار امام عسکری (ع) از قتل معتز و مهتدی و مستعین؛ الارشاد، صص ۳۴۰ و ۳۴۴؛ مناقب آل ابی‌طالب، صص ۴۳۲ و ۴۳۶؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۱؛ اثبات الوصیّه، صص ۲۴۰ و ۲۴۲؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۲ و ۱؛ ص ۵۱۰، ح ۱۶.

[۸۰] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع امام جواد (ع) به «محمد بن فضل صیرفی» و اعلام حوائج شخصی؛ الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۶؛ و کتابت حوائج شخصی برای «علی بن یقطین» توسط امام کاظم (ع)؛ رجال کشی، ص ۴۳۴، ح ۸۱۹؛ ص ۲۶۹، ح ۴۸۴.

[۸۱] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع امام عسکری (ع) به نعمانی، و نکوهش از غلطگیری وی از نامه حضرت؛ وی مدعی شده بود

که در نامه حضرت غلط نحوی وجود دارد و حضرت در پاسخ نوشت: «ما بال قوم یلخوننا، وان الکلمه تتکلم بها ننصرف علی سبعین وجها فیها کُلُّها المخرج منها والحجّه؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۴.

[۸۲] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع ناحیه مقدسه در قبول استغفار و اعتذار «حسن بن فضل همدانی» به خاطر ردّ هدیه حضرت؛ الارشاد، ص ۳۵۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۰، ح ۱۳.

[۸۳] به عنوان نمونه، بنگرید به: توقیع ناحیه مقدسه به سفیر دوم در تعزیت رحلت سفیر اول؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۰، ح ۴۱؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۹؛ الاحتجاج، ص ۴۸۱؛ و توقیع ناحیه مقدسه در تعزیت فوت وکیل مصر که برای فرستاده وی ارسال شد؛ و ضمن اخبار از وفات او، از نحوه برخورد وی با وجوه شرعی موجود در نزدش خبر داده شده بود؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۱۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

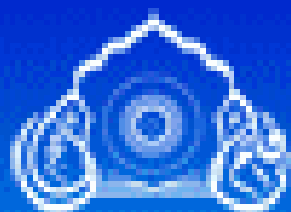
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

